



۱ هفت سطر بعدی را از روی درس، با خط خوش بنویس.

بچه خرگوش ها در سکوت، منتظر پرسش بعدی بودند که چشم قرمزی پر سر آمد. «اگر صداها را نمی شنیدیم، چه اتفاقی برای ما می افتاد؟»  
 این بار فلکستری جواب داد: «خطرهای برای ما پیش می آید؛ مثلاً صدای بویاها و شغال ها را نمی شنیدیم»  
 بزنی ادامه داد: «از خیلی چیزها هم لذت نمی بردیم»

۲۰  
 ۲۰۳  
~~...~~

۲ از کدام قسمت درس خوشتر آمده؟ آن را بنویس.

بچه ها، این عویذ جایزه‌ی ششاست که فکر کردید و پاسخ های خوبی دادید.

۳ چهار کلمه بنویس که آخر آن ها مثل کلمه‌ی «حتماً» باشد.

مثلاً ..... قبلاً ✓ ..... اتفاقاً ..... ابتداً .....

۴ به جای کلمه‌ی داخل کمانک، کلمه‌ی مناسب دیگری بگذار و جمله را بنویس.

الف) ما باید از حیوانات (مواظبت) کنیم. ما باید از حیوانات مراقبت کنیم.  
 ب) اگر مادرم خوابیده باشد، (آهسته) راه می روم. اگر مادرم خوابیده باشد، آرام راه می روم.  
 پ) خداوند همه چیز را (خلق کرده است). خداوند همه چیز را آفریده است.  
 ت) ما باید دست هایمان را (پاکیزه) نگه داریم. ما باید دست هایمان را تمیز نگه داریم.



۱ چهار سطر اول را از روی درس، با خط خوانا بنویس.

بچه خرگوش‌ها منتظر معلم بودند. معلم با سبدهای پر از نان و پنیر آمد. سلام کرد و پرسید: «بچه‌ها فکر می‌کنید چرا خدا به ما گوش داده است؟»

بشمالو دستش را بلند کرد و گفت: «برای اینکه صداها را بشنوم.»  
آموزگار لبخند زد و پرسید: «اگر گوش نداشتیم، چه می‌شد؟»

۲ کلمه‌های درس را که یکی از نشانه‌های «ف، ش، پ» دارند، یک بار بنویس.

خرگوش‌ها - پرسید - فکر - گوش - بشمالو - دستش - گفت - بشنوم - نداشتیم - مینبهای  
نمی‌شنیدیم - پرستش - چشم - انگشتی - می‌افتاد - تنگال - برمی - پرندوها - داشتش - همیشه -  
شماست - پاسخ - قوش - عالی - رفتند

۳ جمله‌های زیر را مانند نمونه، پرستی کن و با علامت مناسب، دوباره بنویس.

◆ چرا مژگان به مسافرت رفت؟

سعید درش را خواند. آیا سعید درمستی را خواند؟

به معلم احترام گذاشتی. چگونه به معلم احترام گذاشتی؟

سیا هر هفته یک کتاب می‌خواند. چرا سیا هر هفته یک کتاب می‌خواند؟

۴ نوشته‌ی زیر را تا دو سطر ادامه بده.

معلم وقتی وارد کلاس شد، به دانش‌آموزان گفت: «من امروز یک سوال از شما می‌پرسم. به نظر شما چرا خدا به ما گوش داده است؟»

هر کلمه را در جای خودش قرار بده.

۲

~~شکر~~ - باد ~~دقت~~ - حیوانات - ~~لبخند~~

ما باید با ... حیوانات ... مهربان باشیم.  
وقتی به پرند ها دانه می دهیم، آن ها از ما ... شکر ... می کنند.  
معلم با ... لبخند ... وارد کلاس شد.  
بچه خرگوش ها ... با دقت ... به حرف دوستانشان گوش می دادند.

لطیفه ی زیر را بخوان و در پایان هر جمله نقطه (.) یا نشانه ی پرسش (?) بگذار.

۳

علی کوچولو با عجله مشغول خوردن شیرینی بود که مادرش گفت: «بچه جان، این قدر تند تند شیرینی نخور.  
من بچه ای را می شناسم که در خوردن شیرینی عجله کرد و قبل از تمام شدن شیرینی ها، بیمار شد.» علی کوچولو  
در حالی که دهانش پر بود، گفت: «راست می گویی حالا بقیه ی شیرینی های او کجاست؟»

بنویس چه وقت سلام می کنی و چه وقت خدا حافظی می کنی.

۴

سلام وارد شدن به مکانی سلام می کنیم. زمان خارج شدن از مکانی  
خدای تعالی می کنیم.

موفق باشی!



۳۳

